

عدم رسیدگی و پاسخ‌گویی در بیمارستان لقمان حکیم

جان بازمانده و شاهد حادثه خیابان «مختاری» در خطر است

کادر درمان بیمارستان لقمان پاسخ‌گو نیست

او با اشاره به رسیدگی ضعیف بیمارستان افزود: «با وجود وضعیت بغرنج دایی‌ام و عادی‌نبودن اتفاق، تا پول جراحی (پنج میلیون تومان) را واریز نکردیم، کار جراحی‌اش اول را انجام ندادند. بعد از آن بیمار ما را در اتاق مربوط به نگهداری افراد زندانی بستری کردند و گفتند تیر به صورت کامل تخلیه نشده و شریان‌ها خونریزی دارد. عمل جراحی دوم انجام شده و بعد از آن دیگر به آی‌سی‌یو منتقل شده است. او حال مساعدی ندارد و مثل یک تکه گوشت رها شده است. کادر درمان بیمارستان هم هیچ پاسخی جز اینکه بیمار فقط به کمک دستگاه تنفس داشته و حالش تغییری نکرده است، نمی‌دهند. امکان جابه‌جایی به بیمارستان دیگر هم وجود نداشته و این اجازه را ندادند. ما بسیار نگران هستیم و هر شب هم برای بستری بیمارمان در یک بیمارستان دولتی که از آن ناراضی هستیم، هزینه واریز می‌کنیم».

کادر درمان مشغول است

«جدیدی»، مدیر روابط‌عمومی بیمارستان لقمان حکیم نیز با پیگیری وضعیت درمانی فرد بستری‌شده در بیمارستان که از شاهدان جریان تیراندازی در خیابان مختاری بوده به خبرنگار «شرق» تاکید کرد: «درخواست و نگرانی خانواده برای پیگیری حال این فرد مضروب بحق بوده و پیگیری می‌شود، اما کادر درمان در حال اقدام برای مداوا و انجام کارهای درمانی این بیمار بوده و با مشکلی روبه‌رو نیست. کار درمانی این بیمار که مورد اصابت گلوله قرار گرفته، به دلیل جثه بزرگی که دارد، با سختی‌هایی روبه‌رو شده اما اقدامات درمانی برای تمام افراد بستری‌شده در حال

سمیه جاهد عطایان: خبر کوتاه اما تلخ بود. ۱۳ دی پاسدار «قاسم فتح‌اللهی» مقابل منزل مسکونی برادرش در خیابان مختاری تهران از سوی فرد ناشناسی که گفته شده سارق بوده است، مورد اصابت گلوله از ناحیه پا قرار گرفته و در بیمارستان به شهادت می‌رسد. در جریان این حادثه، سارق دو گلوله نیز به ران و ساق پای همسایه قدیمی این پاسدار شلیک و بلافاصله از محل ارتکاب جرم متواری می‌شود. پلیس پایتخت در حال بررسی دلیل حادثه بوده و این همسایه که شاهد عینی این حادثه بوده نیز در بیمارستان لقمان بستری است. یکی از بستگان این فرد مضروب در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» با ابراز نگرانی از شرایط رسیدگی بیمارستان لقمان گفت: «رسیدگی و پاسخ‌گویی بیمارستان لقمان بسیار ضعیف و مبهم است. من به‌عنوان همراه بیمار که تمام مدت بالای سر بیمار هستم، از رسیدگی و پاسخ‌گویی این بیمارستان بسیار ناراضی‌ام. دایی من برادر شهید است. تقاضای ما غیرمنطقی نیست و خواسته زیادی نداریم. سوال می‌پرسیم، پاسخ درستی نمی‌دهند و مبهم حرف می‌زنند. کار جراحی را دیر شروع کردند. بسیار نگران هستیم. دایی من یک مغازه‌دار ساده است و قربانی این اتفاق و تیراندازی شده است. روز اول از رسانه‌ها آمدند و با او مصاحبه کردند، عکس و فیلم هم تهیه کردند. دایی من آن زمان به‌عنوان شاهد حادثه تیراندازی در خیابان مختاری تمام اطلاعات و مشاهداتش را به صداوسیما ارائه داد و همکاری کرد. اما حالا بیمارستان لقمان حکیم اطلاعات کافی و درستی نمی‌دهد که بدانیم بیمارمان در چه شرایطی است. این بلاتکلیفی و نگرانی حق ما نیست».

بررسی حقوقی و اجتماعی «شرق» از «مجازات‌های تکمیلی» که این روزها برای برخی روزنامه‌نگاران و فعالان اجتماعی بازداشت‌شده، صادر شده است

مجازات‌های تکمیلی یا تحریمی؟

مریم لطفی، روزنامه‌نگار: این روزها برگزاری دادگاه‌های بازداشتی‌های حوادث اخیر قوت گرفته است و احکام برخی از آنها صادر می‌شود؛ عموماً محکومیت‌ها حبس‌اند که با توجه به عناوین اتهامی کم و زیاد می‌شوند؛ اما برای برخی افراد علاوه بر مجازات حبس مجازات‌های تکلیفی هم مقرر شده است؛ برای مثال ندا ناجی، فعال کارگری، علاوه بر محکومیت به هشت ماه حبس و دیگر محکومیت‌ها، به دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال ممنوعیت استفاده از تلفن هوشمند محکوم شده است. یا فرد دیگری که علاوه بر مجازات حبس تعزیری مدتی از انجام رانندگی محروم شده و دیروز هم که ویدئوی یلدا معیری، عکاس شناخته‌شده خبری، حکایت از این داشت که او علاوه بر شش سال حبس تعزیری به پنج مورد مجازات تکمیلی هم محکف شده است؛ تهیه یک پژوهش صد صفحه‌ای از آثار شهید مرتضی مطهری، منع خروج از کشور به مدت دو سال، منع استفاده از تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی به مدت دو سال، منع اقامت در استان تهران و استان‌های همجوار به مدت دو سال و همچنین ارائه خدمات پاکبانی در پارک بانوان به مدت دو ماه. مجازات‌های تکلیفی گرچه پیش از این هم وجود داشت، اما این روزها نوع مشخصی از آنها برای برخی از بازداشتی‌هایی که عمدتاً از فعالان اجتماعی هستند، بحث‌برانگیز شده است. تا جایی که حتی علی مطهری، فعال سیاسی و فرزند شهید مطهری، روز گذشته در یادداشتی به رئیس قوه قضائیه نوشت: «در خبرها آمده بود که خانم یلدا معیری، عکاس خبری، در دادگاه بدوی از جمله محکوم شده است به صد صفحه پژوهش درباره آثار استاد شهید آیت‌الله مطهری. البته نفس توجه به آثار آن اسلام‌شناس گران‌قدر در شرایطی که نهادهای فرهنگی نظام مانند صداوسیما به‌رغم توصیه‌های مکرر و مؤکد امام خمینی و مقام رهبری توجهی به این آثار ندارند قابل تقدیر است، اما استفاده از آن به‌عنوان مجازات و یک کار اجباری می‌تواند

آثار منفی هم در شخص محکوم و هم در جامعه داشته باشد، چراکه مراجعه به این آثار باید از روی اختیار و انتخاب باشد». او همچنین خواستار لغو این حکم در دادگاه تجدیدنظر شده بود. حکم معیری حواشی دیگری هم داشت. قوه قضائیه در واکنش به ویدئوی یلدا بیانیه‌ای منتشر کرد که در بخشی از آن آمده بود: «بازداشت این متهم هیچ ارتباطی با فعالیت رسانه‌ای وی نداشته و این فرد در صحنه اغتشاشات و بدلیل اتهامات ضدامنیتی بازداشت شده است. براساس بخشی از حکم بدوی دادگاه برای این فرد، وی به خدمات عمومی رایگان در پارک بانوان محکوم شده است».

در پاسخ به این گفته اما معیری حکم دادگاه خود را منتشر کرد که در آن به صورت مشخص از کلمه پاکبان استفاده شده بود. معیری دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «اولین‌بار نیست که احکام تکمیلی دریافت می‌کنم. اما به نظر می‌رسد احکام تکمیلی نسبت به قبل تفاوت‌هایی کرده است. در پرونده قبلی‌ام که به دی‌ماه ۹۶ مربوط بود، حکم تکمیلی‌ام رفتن بر سر مزار شهدای مدافع حرم یک بار در ماه در حضور نماینده بنیاد شهید بود. اما این‌بار احکامم متفاوت است. البته از دوستانم شنیدم که پیش از من نرگس محمدی هم حکم پاکبانی گرفته بود. احکام تکمیلی دیگری که تاکنون شنیده‌ام حضور و رفت و آمد به حوزه علمیه و همچنین رفتن به نماز جمعه است».

مینا: احترام به حیثیت انسانی

محمدصادق نقره‌کار، وکیل دادگستری و دبیر کارگروه حقوق بشر اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری، درباره احکام تکلیفی توضیحاتی به «شرق» می‌دهد: «تمامی نظام‌های پیشرو ذیل حکومت قانون تلاش می‌کنند سیاست عمومی و سیاست جنائی‌شان بر مبنای اصول و موازین انسانی و حقوق و آزادی‌های بنیادین باشد. به همین دلیل است که هم‌سنخ‌بودن جرم و مجازات و به عنوان یکی از رهاوردهای نظام جزائی

نوبن در نظر گرفته‌اند؛ به طوری‌که مبنأ سازندگی و اثربخشی و احترام به حیثیت انسانی و آزادی‌های بنیادین باشد».

او ادامه می‌دهد: «بر مبنای بند ۱۴ اصل سه قانون اساسی در وظایف قوه قضائیه موضوع کیفرهای متناسب با جرم و مجازات‌های جایگزین و پیشگیرانه تاکید شده است. نظام مشروطه‌سازی قدرت این است که کیفرها را بر مبنای اصول و موازینی وضع کند. یعنی هم عدالت ماهوی بر آن حاکم باشد و هم عدالت شکلی. درباره مجازات‌های تکمیلی یا عدالت ترمیمی یا گونه‌های مختلفی از مجازات همراه هستیم. این مجازات‌ها باید اثربخشی اجتماعی و بازدارندگی لازم را داشته باشند. در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی هم درمورد مجازات‌های تکمیلی مواردی را داریم که این موارد دلالت بر این دارد که سیاست‌گذار جنائی در قانون مجازات به دنبال این بوده که به جای کیفرهای قهرآمیز به سمت اثربخشی حرکت کند. به‌طوری‌که مجازات با حفظ حقوق اشخاص سازگار باشد». این وکیل دادگستری به برخی احکام تکلیفی صادرشده اشاره می‌کند؛ مثلاً اقامت‌های اجباری یا منع اقامت در محلی معین: «بناها جنبه‌هایی از مجازات‌های تکمیلی است که با یک تحفظ بزرگ مواجه است و آن حفظ حقوق و کرامت انسانی و شهروندی است. یعنی نباید با کاربست سلیقه‌ای و تشخیص سلیقه‌ای یک مرجع قضائی حقوق و آزادی‌های شهروندان را محدود کرد. به‌طور خاص محرومیت از حقوق اجتماعی فقط به موجب قانون انجام می‌شود. اما هیچ مقنن، هیچ قاضی و هیچ سیاست‌گذار عمومی این اجازه را ندارد که قلمروی محرومیت اجتماعی را فراتر از چیزی که قانون مجازات اسلامی نسبت به آن پیش‌بینی کرده است، بگذارد».

او معتقد است این مجازات‌ها نباید خودشان کیفری باشند: «بلکه باید کیفرهای سازنده و سازگار با وضعیت اجتماعی باشند. ظرافت‌های این موضوع از آنجا نشئت می‌گیرد که بر مبنای اصل ۲۴ قانون اساسی حیثیت و جان و مال مردم از تعرض مصون است و آمد و شد، آزادی شغل، آزادی فعالیت‌های شرافتمندانه را به‌هیچ‌وجه نمی‌شود محدود کرد. قانون‌گذار در قانون مدنی می‌گوید قابلیت اینکه حقوق و آزادی‌های مدنی از افراد سلب شود وجود ندارد؛ بنابراین این قوانین و مقرراتی که به‌مثابه مجازات در راستای عدالت ترمیمی به کار گرفته می‌شوند نباید با آزادی‌های بنیادین و اساسی مغایرت داشته باشند. این جرائم تنها زمانی می‌توانند کاربرد داشته باشند که در ذیل ماده ۲۶ قانون مجازات ذکر شده باشد. قانون‌گذار تمام مصداق‌هایی را که در ماده ۲۳ آورده نباید از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین یا را فراتر بگذارد».

این حقوق‌دان می‌گوید: «حرمت قانون اساساً راه را بر این نوع از برداشت‌ها می‌بندد و از این جهت باید قواعدی در نظام مقررات‌گذاری ما وجود داشته باشد تا خوانش این مجازات‌ها را، در جهت تضییع حقوق شهروندان به کار نگیرد».

مصداق مجازات تکمیلی

او به مصداق مجازات‌های تکمیلی هم اشاره می‌کند: «ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مواردی را به‌عنوان مصداق مجازات‌های تکمیلی مشخص کرده است. می‌توان از این موارد دلالت گرفت؛ مثل الزام به ارائه خدمات عمومی، منع عضویت در دسته‌جات و احزاب سیاسی و اجتماعی، توقیف وسایل ارتکاب به جرم، رسانه و مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم، الزام یادگیری حرفه، شغل معین یا اقدام به تحصیل. اینها از مصداق مجازات‌های تکمیلی است و البته همین‌ها هم ضوابطی دارد. مثلاً اینکه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی باید از یک نوع باشند و آیین‌نامه‌ای هم در این زمینه وجود دارد؛ بنابراین دست مرجع قضائی باز نیست که هرگونه مجازاتی را به هر شیوه‌ای که بخواهد، اعمال کند و فرد از حقوق اجتماعی‌اش محروم شود».

این وکیل دادگستری بر این نکته تاکید دارد که اصلاً مجازات‌های تکمیلی به دلیل سازندگی و اثربخشی‌شان باید استفاده شوند و در واقع مجازات‌های نرم هستند تا کیفرها تنها فزینگی و خشونت‌آمیز نباشد و کیفرها متناسب با شرایط اشخاص باشد. نقره‌کار می‌گوید: «این نوع مجازات در قاموس نظام قضائی جدید شکل می‌گیرد. نظام سیاست‌گذاری جنائی جدید درصدد موردی‌کردن مجازات‌هاست. برای همین به جای صدور کیفرهای یکسان، با توجه به هر مورد باید وضعیت افراد را در نظر بگیرد تا در نهایت خسارتی از جامعه برطرف شود».

او معتقد است رویکرد قضات به‌ویژه در دادگاه انقلاب باید درباره مجازات‌های تکمیلی به سمت الزام افراد به آموزش حقوق شهروندی سوق یابد، نه اینکه مواردی در آرا به کار گرفته شود که خودش مصداق محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. این وکیل دادگستری به تغییرات سازنده‌ای در حوزه عدالت کیفری در دهه‌های اخیر هم اشاره دارد: «یکی از مهم‌ترین آنها این است که ما با انباشت جمعیت کیفری در کشور مواجهیم و ایران یکی از کشورهای است که درباره تعداد زندانیان و اعمال مجازات‌هایی مانند ضربات شلاق صدرنشین است؛ بنابراین سامانه حقوقی کشور باید درصدد پایش این وضعیت باشد تا بتواند وضعیت کشور را به سمت سازندگی و بازدارندگی ببرد. در موارد مختلف مثل اعدام برای مواد مخدر شاهد بودیم که این مجازات اثربخش نبوده است. با یک تحلیل آماری می‌توانیم ببویم در بسیاری از این موارد چالش‌هایی داریم



تا از سال‌بالایی‌ها اجازه نداشته باشند، نمی‌توانند اطلاعاتی از شرایط بیمار ما که حالا خونریزی بسیار زیادی دارد، بدهند. تنها گفتند که قرار است برای بار سوم عمل جراحی شود، اما نمی‌گویند چرا و این ابهام، نبود شفافیت و بلاتکلیفی بسیار ناراحت‌کننده است. ما تقاضا داریم بیمارمان را برای ادامه درمان و انجام جراحی بعدی به بیمارستان دیگری ببریم، اما این بیمارستان مخالفت کرده و اعلام می‌کنند تا ثبات حال بیمار، امکان جابه‌جایی وجود ندارد».

می‌گویند از بیمار عکس و تصویر تهیه نکنید

همراه این بیمار که از زمان وقوع این حادثه در بیمارستان لقمان حضور دارد، می‌گوید: «در بیمارستان به ما فشار می‌آورند که عکس یا فیلمی از بیمارمان روی تخت تهیه نکنیم یا برای گرفتن عکس ما را بازخواست می‌کنند. اگر این بیمارستان در حال انجام وظیفه است، چرا نگران این حواشی است؟ درواقع نه‌فقط شرایط ما بلکه وضعیت رسیدگی به بیماران در این بیمارستان دولتی بد است. کاش سری به بخش آی‌سی‌یو این بیمارستان بزنید و از نزدیک با شرایط ناسامان اینجا آشنا شوید».

به گزارش خبرنگار «شرق»، اگرچه اعلام شده نیم بررسی صحنه جرم پس از دریافت اطلاعات لازم درباره این حادثه، تجزیه و تحلیل‌های اطلاعاتی را شروع و دوربین‌های مداربسته اطراف صحنه جایت را برای شناسایی عامل شهادت شهید فتح‌اللهی بازبینی کردند، اما درحال حاضر پیگیری وضعیت سلامتی و درمانی فرد بستری‌شده در بیمارستان که از شاهدان این حادثه بوده و به صورت ناخواسته قربانی این حادثه تیراندازی شده نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

و نیاز است قانون‌گذار به پویایی تقنین توجه کند و این مجازات‌ها را به نفع خیر عمومی حرکت دهد. ارتقای امنیت اجتماعی در دوره کنونی یک وضعیت روزآمد را می‌طلبد و به نظر می‌رسد هرگونه اعمال مجازات صرفاً جنبه جرم‌شناسی و جزاشناسی ندارد؛ بلکه روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی دوره حاضر یکی از ضرورت‌های پویایی نظام ارزشی حاکم بر مجازات در جامعه است».

او از مجلس به‌ویژه کمیسیون حقوقی و قضائی دعوت می‌کند تا در کاربست این‌گونه مجازات‌ها به‌ویژه درباره جرائم امنیتی توجه داشته باشند تا جامعه از منفعت همگانی بهره‌مند شود.

به هیئت منصفه نیاز داریم

بررسی مجازات‌های تکمیلی از منظر جامعه‌شناسی هم قابل بررسی است؛ به‌ویژه آنکه بنا بر گفته‌های نقره‌کار، وکیل دادگستری، به نظر می‌رسد مجازات‌های تکمیلی صادرشده در روزهای اخیر، تناسب چندانی با ذات این نوع مجازات‌ها در قانون ندارد. حسین ایمانی جاجرمی، جامعه‌شناس، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «جامعه از سیستم‌های متصل به هم تشکیل می‌شود. درست است که قوه قضائیه مستقل است؛ اما باز هم بخشی از جامعه است؛ بنابراین باید در پیوند با مسائل اجتماعی حرکت کند و مسئله کلی حفظ حیات و پویایی جامعه است».

او معتقد است در مواجهه با حوادث ماه‌های اخیر، نگاه کلان وجود ندارد: «مسائل را تقلیل‌گرایانه به افراد منسوب می‌کنیم و در پی این نگاه افراد را هم مجازات می‌کنیم؛ اما مسئله می‌تواند فراتر از سطح کنشگری افراد باشد و درواقع دچار کاستی‌ها و بحران‌هایی در کارکرد خود جامعه هستیم؛ یعنی بنیذیریم سیستم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و… در جامعه با مشکلاتی همراه است. اگر این موضوع را ببینیم، نگاه‌مان به جرائم هم فرق خواهد کرد. در این نگاه افرادی را که مرتکب جرم شده‌اند، می‌توان به چشم خاطیان یا تأثیرپذیرفتگان وضعیت ناسامان موجود نگاه کرد. در این نگاه بحث بر این است که سیستم‌های کلان در جامعه ایراداتی دارند و برای حل مشکلات، ابتدا باید اینها را ترمیم و اصلاح کرد».

این جامعه‌شناس معتقد است صدور مجازات‌های سنگین کمکی به حل بحران‌های اجتماعی نمی‌کند: «اوایل انقلاب درباره مواد مخدر سنگتگیری‌ها خیلی زیاد بود و افرادی هم اعدام شدند؛ اما اگر مسئله درست شد».

او هم پیشنهاد گفت‌وگوی مراجع قضائی و محاکم با صاحب‌نظران عرصه‌های اجتماعی را مطرح می‌کند: «اگر فردی مجازات می‌شود، صرفاً به این دلیل نیست که اقدامی سنگینترانه و مبتنی بر آسیب‌زدن به افراد انجام دهیم؛ بلکه هدف این است که با اصلاح امور، چرخ‌های اجتماع بچرخد و به کار خود ادامه دهد. حتی احکامی مانند اعدام نیز از سوی حاکمیت در نهایت برای حفظ انسجام اجتماعی صادر می‌شود؛ بنابراین می‌شود به ابزارهای دیگری هم فکر کرد؛ چون الزاماً با سنگین‌ترین مجازات‌ها نمی‌توان به اهداف مدنظر دست پیدا کرد».

او به ویژگی‌های جامعه مدرن در تعیین نوع مجازات هم توجه دارد: «جامعه مدرن تفاوت‌هایی با جامعه سنتنی دارد. وقتی افراد از حقوق شهروندی‌شان محروم شوند، تأثیرات زیادی روی آنها، خانواده‌ها و ارتباطات‌شان خواهد گذاشت و می‌تواند ابعاد مجازات را خیلی جلوتر از آنچه مدنظر قانون‌گذار است، ببرد. هدف اصلی مجازات این است که افراد را دوباره به جامعه متصل کند؛ حتی کسانی را که مرتکب خطایی شده‌اند. جامعه مدرن مبتنی بر عضویت افراد در اجتماع است؛ بنابراین محروم‌کردن فرد از حقوق شهروندی و اعمال محرومیت‌های اجتماعی برای او، در طولانی‌مدت می‌تواند آسیب‌هایی به همراه داشته باشد که وضعیت را بدتر کند».

جاجرمی می‌گوید: «باید با نگاه باتر و با هدف ترمیم مسائل و تعدیل مشکلات با جریان خسارات و تقویت انسجام اجتماعی حرکت کنیم». او معتقد است صدور احکام تجرانی نیازمند وجود هیئت منصفه است: «برخی از مجازات‌های تکلیفی مثل اینکه فرد پژوهشی انجام دهد یا از کتابی رونویسی کند یا خدمات اجتماعی انجام دهد، نیازمند بهره‌گیری از خرد جمعی است. خرد جمعی را قاضی به‌تنهایی نمی‌تواند داشته باشد؛ چون یک نفر است. برای همین باید هیئت منصفه‌ای در کنار قاضی باشد و قاضی از مشورت آنها استفاده کند». این جامعه‌شناس تاکید می‌کند: «افراد را مجازات می‌کنیم؛ درحالی‌که ممکن است رفتار آنها ناشی از بحران‌های اجتماعی موجود در جامعه باشد. پس اگر مجازات بتواند آن بحران اجتماعی را حل یا به حل آن کمک کند، تنها برخی افراد را قربانی کرده‌ایم. اگر مسائلی که شاهد هستیم، ناشی از بحران اجتماعی باشد، مجازات افراد به حل بحران‌های اجتماعی کمک نمی‌کند؛ چراکه افراد را به دلیل مسائلی مجازات می‌کنند که این مسائل فراتر از مسئولیت‌های فردی است. آن یک نفر خودش بخشی از یک مسئله بزرگ‌تر است؛ بنابراین باید نگاه جامع‌تری به مسائل داشته باشیم. ضمن اینکه صدور احکامی که افراد را از منظر عمومی مورد سرزنش یا تحقیر قرار می‌دهد، حتماً نیازمند بهره‌گیری از سازوکار هیئت منصفه است؛ هیئت منصفه‌ای که برآیندی از تمام افراد جامعه باشد».